

تربیت اخلاقی در نهج البلاغه بر مبنای خطبه همام

مؤلف: علی آگاه

انتشارات: ایراهستان

سرشناسه:	آگاه، علی، ۱۳۵۱-
عنوان و نام پدیدآور:	تربیت اخلاقی در نهج البلاغه بر مبنای خطبه همام/ مؤلف: علی آگاه.
مشخصات نشر:	لامرد: نشر ایراهستان، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری:	۱۶۰ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۰-۰۱-۸
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه: ص ۱۵۵.
موضوع:	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه. خطبه همام -- نقد و تفسیر
موضوع:	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه - تربیت اخلاقی
موضوع:	تقوا
شناسه افزوده:	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه. خطبه همام. شرح
رده بندی کنگره:	۱۳۹۳ ۷۴۰۲۳۳/۱۷ BPrA
رده بندی یوبی:	۲۹۷/۹۵۱۵
شماره کتابشناسی ملی:	۳۶۷۸۰۴۱

انتشارات ایراهستان

نام کتاب: تربیت اخلاقی در نهج البلاغه بر مبنای خطبه همام

مؤلف: علی آگاه

ناشر: انتشارات ایراهستان

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۰-۰۱-۸

فارس - لامرد - خیابان کوثر - روبروی مخابرات - پاساژ حجت - کد پستی: ۷۴۳۴۱۵۹۶۷۱

۰۹۱۷۸۸۲۸۳۵۰ - ۰۹۱۷۳۸۲۷۰۰۲ irahestanpub@gmail.com

فهرست

۱۵	مقدمه
۱۸	راز مظلومیت علی (ع)
۲۱	فصل اول
۲۴	چرا نهج البلاغه
۲۶	حضرت علی از زبان دانشمندان دنیا
۲۶	جبران خلیل جبران
۲۷	جرج جرداق مسیحی
۲۸	کارلیل
۲۸	لامنس، مستشرق معروف
۲۹	مادام دیالافوا، سیاح فرانسوی
۳۰	بطروفسکی
۳۰	همام کیست؟
۳۱	خطبه همام
۳۶	سیمای پرهیزگاران
۳۷	شب پرهیزگاران
۳۸	روز پرهیزگاران
۳۸	نشانه‌های پرهیزگاران

۴۳	فصل دوم
۴۵	تعاریف تربیت
۴۹	مفهوم تربیت در نهج البلاغه
۵۱	اخلاق در لغت
۵۲	اخلاق در اصطلاح
۵۲	صفات راسخ نفسانی
۵۴	صفات نفسانی
۵۴	فضایل اخلاقی
۵۵	نهاد اخلاقی زندگی
۵۶	نظام رفتاری حاکم بر افراد
۵۶	تعاریف اخلاق
۵۸	اخلاق چیست؟
۶۰	ضرورت اخلاق در زندگی
۶۲	محاسن اخلاق
۶۳	مکارم اخلاق
۶۵	فصل سوم: اهداف، اصول و روش های تربیت اخلاقی در نهج البلاغه بر مبنای خطبه همام
۶۷	بخش اول: بررسی ویژگی های انسان
۶۸	خدا محوری
۷۰	انسان موجودی چند بعدی
۷۱	انسان والاترین موجودات
۷۲	انسان موجود اجتماعی
۷۵	بخش دوم: تربیت اخلاقی در نهج البلاغه
۷۵	شناخت مفاهیم اخلاقی
۷۶	تقوا

۷۶	اهمیت و اولویت تقوا
۷۸	عوامل موثر در تقوا
۷۸	حفظ زبان
۷۹	پرهیز از خصومت
۷۹	روش‌های تقویت تقوا
۷۹	عبرت
۸۰	ارائه الگو
۸۱	بیان آثار تقوا
۸۱	یادآوری مرگ و حوادث بعد از آن
۸۲	زهد
۸۲	معنای زهد
۸۳	شیوه‌های تقویت زهد
۸۳	اصلاح بینش انسان نسبت به دنیا
۸۴	توجه دادن به منزلت انسان و ضرورت حفظ آن
۸۵	صبر
۸۵	صبر و گستره آن
۸۶	اهمیت و اولویت صبر
۸۷	شیوه‌های تقویت و پرورش صبر
۸۷	توجه دادن به آثار و ثمرات صبر
۸۸	عادت دادن نفس
۸۹	رذایل و رفتارهای ضد اخلاقی
۸۹	دنیا پرستی
۹۰	اولویت و اهمیت پرهیز از دنیاپرستی
۹۲	کبر
۹۲	معنای کبر

- ۹۲ اهمیت و اولویت دوری از کبر
- ۹۳ بخل
- ۹۳ معنای بخل و انواع آن
- ۹۴ اهمیت و اولویت برخورد با بخل
- ۹۷ بخش سوم: اهداف تربیت اخلاقی در نهج البلاغه بر مبنای خطبه همام
- ۹۷ مفهوم هدف و مترادفات آن
- ۹۸ تقوی در لغت
- ۹۹ تقوی در اصطلاح
- ۱۰۲ مفهوم تقوی
- ۱۰۵ حکمت
- ۱۰۷ عبادت
- ۱۰۹ پرورش روح اجتماعی
- ۱۱۲ سماحت
- ۱۱۳ قناعت
- ۱۱۵ بخش چهارم: مبانی تربیت اخلاقی در نهج البلاغه بر مبنای خطبه همام
- ۱۱۵ معنای لغوی واژه مبنا
- ۱۱۵ معنای اصطلاحی واژه مبنا
- ۱۱۷ مبانی در خطبه همام
- ۱۱۹ بخش پنجم: اصول تربیت اخلاقی در نهج البلاغه بر مبنای خطبه همام
- ۱۱۹ معنای لغوی اصول
- ۱۱۹ معنای اصطلاحی اصول
- ۱۲۱ جایگاه، اهمیت و ضرورت اصول
- ۱۲۳ اصول در خطبه همام
- ۱۲۴ تعقل

۱۲۴	مفهوم تعقل
۱۲۵	اهمیت عقل
۱۲۶	فرازهایی از خطبه همام
۱۲۷	توحیدمداری
۱۲۸	فطرت‌مداری
۱۲۹	اصل اعتدال
۱۳۰	اصل زهد
۱۳۲	اصل تدبیر
۱۳۳	آخرت‌گرایی
۱۳۵	بخش ششم: روش‌های تربیت اخلاقی در نهج البلاغه بر مبنای خطبه همام
۱۳۵	معنای لغوی روش
۱۳۶	معنای اصطلاحی روش
۱۳۶	جایگاه، اهمیت و ضرورت روش‌ها
۱۴۰	روش‌های تربیت اخلاقی در خطبه همام
۱۴۰	محاسبه نفس
۱۴۱	تحمیل بر نفس
۱۴۲	ریاضت نفس
۱۴۳	منهم نمودن نفس
۱۴۴	مخالفت با نفس و انداختن آن به زحمت
۱۴۵	خواندن قرآن و تمسک جستن به آن
۱۴۷	نتیجه‌گیری
۱۵۵	فهرست منابع

مقدمه

در دین مبین اسلام و همین‌طور قرآن کریم محور دعوت پیامبران را عموماً و پیامبران عظیم‌الشان اسلام را خصوصاً تربیت و تکمیل فضایل اخلاقی قرار داده است. و در این میان مکارم اخلاقی کسی که در دامن پر مهر و محبت پیامبر(ص) پرورش یافته، علوم نافع و خصال نیک را از او آموخته، و به امامت وی حقایق و اسرار هستی را دریافته بود، از هر جهت می‌تواند برای ما سرمشق و الگو باشد. بنابراین تربیت اخلاقی از جمله موضوعاتی است که جامعه بشری از همان روزگار نخستین حیات به آن نیاز داشته و روز به روز با توسعه زندگی اجتماعی، علمی و سیاسی این نیاز بیشتر شده است. چنانکه هم اکنون در بیشتر جوامع بشری مشاهده می‌کنیم؛ به همان نسبت که علوم طبیعی و مادی رونق پیدا کرده و زندگی به جانب ماشینی و صنعتی توسعه یافته است، خود انسان از اصول و مبانی تربیت و از فضایل انسانی دور مانده است. علت امر آن است که علم را از ایمان و تقوی جدا نمودند. و تعلیم را از تربیت و تزکیه بی‌نیاز دانستند، به تصور آن که علم به تنهایی همه جنبه‌های سعادت بشری را تأمین می‌کند. و تمام بیچارگی‌های انسان را چاره‌ساز است.

البته درست است که فسادها و بدبختی‌ها و ناپسامانی‌های بشر ناشی از جهالت است، اما باید اذعان داشت که علم به تنهایی قدرت ندارد فسادها را ریشه‌کن کند و بدبختی‌ها را درمان نماید. زیرا دانش توانایی و روشنی می‌دهد و سطح تولید را بالا می‌برد و او را بر طبیعت و ماده غالب می‌سازد و احیانا بشر را از هجوم بیماری‌ها و سیل‌ها و طوفان‌ها مصون می‌دارد.

اما آنچه به انسان ارزش والا می‌دهد و اهداف عالی می‌بخشد و بی‌پناهی‌ها و پوچ‌انگاری‌ها و اضطراب‌ها و سرگردانی‌های او را علاج می‌کند و خلاصه او را انسان به معنی حقیقی می‌سازد، تربیت ایمانی و اخلاقی است نه علم و ابزارهای زندگی. اگر علم طبیعت‌ساز است، ایمان و اخلاق انسان‌ساز است، اگر علم مغزها را نیرومند می‌کند، ایمان و تقوی دل‌ها را با امید و اعتماد قوی و زنده نگاه می‌دارد. اگر تجربیات علمی در زندگی بشر انقلاب ایجاد می‌کند، فضایل اخلاقی در درون نفس‌ها و باطن‌ها، انقلاب به وجود می‌آورد. اگر علم بشر را با طبیعت سازگار می‌نماید، ایمان، انسان را با خودش و انسان‌ها را با یکدیگر پیوند صمیمیت و سازگاری می‌دهد. اگر علم فاصله‌های زمانی و مکانی را بر می‌دارد و شهرها و کشورها را به هم نزدیک می‌کند، ایمان و اخلاق دل‌ها

را به هم نزدیک و عواطف بشری را تلطیف می نماید و زندگی را سرشار از محبت و گرمی می نماید.

خلاصه آن که وظیفه سنگین و مقدس تربیت را هیچ گاه علم و تعلیم نتوانسته است و نمی تواند بر دوش گیرد. تربیت رسالت بزرگی است که محور اصلی دعوت پیامبران بوده و نخستین بار این مسئولیت حیاتی را آنها بر دوش گرفته اند. البته رابطه میان علم و ایمان و تعلیم و تربیت را انکار نمی کنیم؛ که هر تعلیمی طبعاً تربیتی را هم همراه دارد و با هر تربیتی درس هایی هم به انسان می آموزیم. اما اولاً منظور ما از تربیت در این بحث تربیت عمدی است نه غیر عمدی. ثانیاً مطلبی را که در این جا می خواهم بگویم این است که آیا ما برنامه تعلیمات خود را در چه طریقی و برای چه هدف هایی تنظیم کنیم؟ و از علم در چه جهت می خواهیم استفاده نماییم؟ و با علم، بشر را چگونه موجودی می خواهیم بسازیم؟ آیا خود علم هدف اساسی و اصلی است یا از طریق دانش می خواهیم انسان را به کمالاتی که استعداد یافتن آن را دارد برسانیم؟ و انسانی کامل و سعادتمند، انسانی حق طلب و عدالت جو و متکی به خالق خویش و خلاصه انسانی آرمانخواه و دادگر و مؤمن و بافضیلت بار آوریم؟ آن گونه که واقعاً شایسته مکتب علوی باشد.